

ابراهیم رئیسی

**عامل قتل عام، نسل کشی
و جنایت علیه بشریت**

سازمان مجاهدین خلق ایران



تیر ۱۴۰۰

فهرست مطالب

مقدمه- يك جنایتكار علیه بشریت در كرسی ریاست جمهوری.....	۶
فصل اول- تحریم نمایش انتخابات، نه قاطع مردم ایران به خامنه‌ای و رئیسی	۹
فصل دوم- سوابق آخوند ابراهیم رئیسی	۱۲
ابراهیم رئیسی در لیست‌های سیاه	۱۴
فصل سوم- قتل عام زندانیان سیاسی و نقش ابراهیم رئیسی	۱۶
فتوای خمینی	۱۶
هرکس به مجاهدین وفادار است اعدام و سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید	۱۶
اعتراض منتظری و هشدار به رئیسی و سه عضو دیگر هیات مرگ	۱۸
نقش ویژه رئیسی.....	۲۱
برنامه‌ریزی قدیمی	۲۲
خامنه‌ای و دفاع تمام عیار از قتل عام	۲۴
سازمان‌های حقوق بشری	۲۵
فصل چهارم- گواهی شماری از شاهدان	۳۱
شهادت فریده گودرزی.....	۳۱
شهادت مسعود ابویی	۳۲
شهادت رضا شمیرانی	۳۳
فصل پنجم- آخوند رئیسی سفیر مرگ خمینی	۳۵
علت خاص ارتقای رئیسی	۳۸
فصل ششم- نقش سرکوبگرانه رئیسی علیه قیام‌های مردمی و احکام ضد انسانی.....	۴۰
احکام ضدانسانی و جنایتکارانه	۴۲
فصل هفتم- آخوند رئیسی و سپاه پاسداران	۴۵

ابراهیم رئیسی، عامل قتل عام، نسل کشی و جنایت علیه بشریت

شماره ثبت: ۹۷۸-۱-۹۱۶۴۱۰۱-۱-۴

تاریخ انتشار: تیرماه ۱۴۰۰

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.



انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

پیش‌گفتار

ابراهیم رئیسی را می‌توان خلاصه و چکیده نظام ولایت فقیه دانست که بیش از چهار دهه است با دو اهرم سرکوب و صدور جنگ و تروریسم، فجایع بسیاری را به مردم ایران و منطقه و بسیاری از کشورها و ملت‌ها تحمیل کرده است.

هر چند بخش‌های وسیعی از جامعه جهانی کارکرد ۴۲ ساله این رژیم را تجربه کرده‌اند، اما انتصاب رئیسی به‌عنوان رئیس‌جمهور، بسیاری را در داخل و خارج ایران که از ماهیت این رژیم درک درستی ندارند، غافلگیر کرد.

این تحول بزرگ حاکی از بلوغ شرایط انقلابی جامعه ایران و بن‌بست مرگباری است که نظام ولایت فقیه و شخص خامنه‌ای در آن گرفتار است. این تصمیم از یک سو میخ آخر را به تابوت توهم اصلاح‌طلبی در این نظام کوبید، و از سوی دیگر نشان داد که از نظر خامنه‌ای و سردمداران رژیم تنها راه باقی ماندن چند صباحی بیشتر در قدرت، بالا بردن باز هم بیشتر سرکوب و تروریسم و تشدید تلاش برای دستیابی به بمب اتمی است. اما آن که ظلم و جنایت می‌کارد توفانی از شورش و قیام و انقلاب درو خواهد کرد.

هر چه هست، رژیم آخوندی با ریاست جمهوری جلال ۶۷ و جراحی بزرگ درونی، وارد دوران پایانی خود شده و بدون شک تحولات بزرگ و سریعی در چشم‌انداز قرار دارد.

در آخرین لحظاتی که این کتاب زیر چاپ میرفت خامنه‌ای، دژخیم بدنام غلامحسین محسنی اژه‌ای را به جای ابراهیم رئیسی به عنوان رییس قضاییه آخوندی معرفی کرد. خانم مریم رجوی در این رابطه گفت: خامنه‌ای با انتصاب اژه‌ای، پروژه تک پایه کردن حکومت و “دولت حزب اللهی” را که از دو سال قبل شروع کرده بود، تکمیل کرد. او با سلاخی باندهای رقیب و در دست گرفتن کامل افسار سه قوه، بیهوده تلاش میکند سرنگونی محتوم را به تاخیر بیندازد اما تنها خشم و انزجار بیشتر مردم را بدست می‌آورد. هر سه نفر (رئیسی، اژه‌ای، قالیباف) بخاطر نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت باید در برابر عدالت قرار گیرند. باشد که انتشار سریع این کتاب، هر چند ناقص و کوتاه، در معرفی ابراهیم رئیسی و شناخت این تحول بزرگ کمک‌کننده باشد. با توجه به اهمیت این تحول و مضمون و عمق آن، در نوشته‌های بعدی بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

یک جنایتکار علیه بشریت در کرسی ریاست جمهوری

روی کار آوردن ابراهیم رئیسی از سوی علی خامنه‌ای، ولی فقیه نظام آخوندی، با سلاخی کاندیداهای باندهای رقیب توسط شورای نگهبان، یکی از بزرگترین سرفصل‌های چهاردهه گذشته در مبارزه مردم و مقاومت ایران با فاشیسم دینی حاکم است.

افرادی که برای روی کار آوردن رئیسی از سر راه برداشته شدند، مخالفان رژیم نبودند و تنها افراد باند موسوم به اصلاح‌طلب نبودند. آن‌ها شامل افرادی مانند علی لاریجانی مشاور خامنه‌ای و اسحاق جهانگیری معاون رئیس‌جمهور می‌شدند. لاریجانی یک پاسدار سرتیپ سپاه پاسداران است که به مدت ۱۲ سال رئیس مجلس این رژیم بوده و هم‌چنین نماینده ویژه خامنه‌ای در بسیاری از موضوعات خارجی از جمله رابطه با چین است.

این نمایش مسخره باعث شرمندگی همه طرف‌هایی شد که در داخل یا خارج ایران برای دهه‌ها تبلیغ میان‌روشنی رژیم و تغییر رفتار آن را می‌کردند. ممانشات طولانی‌مدت با رژیم آخوندی توسط کشورهای غربی، در سودای منافع حقیر اقتصادی یا ملاحظات سیاسی، به یکباره، دیگر طرف حسابی در ایران تحت عنوان مدره ندارد و به قول معترضان به حکومت آخوندی «اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگر تمام است ماجرا».

رئیسی که از آمران قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ می‌باشد، هیچ اعتبار علمی یا مذهبی، حتی متناسب با استانداردهای حکومت آخوندی که بر پایه جهل و نادانی استوار است، ندارد. در یک کلام، رئیسی از اراذل و اوباش بی‌سواد و قاتلی سنگدل است. او تنها تجربه‌یی که طی چهل سال گذشته کسب کرده و در آن بالاترین مدارج تخصص را گرفته، اعدام و سرکوب است.

دهه دوم مرداد که قرار است دژخیم رئیسی، سوگند ریاست جمهوری بخورد، دقیقاً مصادف است با روزهایی که ۳۳ سال پیش «جلاد ۶۷» هر روز صدها نفر را در زندان‌های اوین و گوهردشت به چوبه‌های دار می‌سپرده است. خشم فروخته ملتی که خون آن سربهداران در رگ‌هایش می‌جوشد، تومار حکومت ننگین قتل عام را به همراه خامنه‌ای و رئیسی و دیگر سرداران این رژیم درهم می‌پیچد و به زباله‌دانی تاریخ می‌فرستد.

بیش از هر زمان دیگر، امروز رژیم با جامعه‌یی در آستانه انفجار مواجه است. به‌رغم فشارهای پاندمی کرونا بر دوش جامعه، ا فشار مختلف اجتماعی روزانه اعتراض و اعتصاب می‌کنند. به دلیل فساد سیستماتیک و دزدی نهادهای حکومتی، بیکاری، تورم و گرانی، کمبود کالاهای اساسی، سرکوب سیاسی و اجتماعی، شکنجه و اعدام در زندان‌ها، تبعیض جنسیتی و مذهبی

و قومی، ما با یک وضعیت اجتماعی انفجاری مواجهیم به‌نحوی که هر روز مقامات و رسانه‌های رژیم در مورد یک قیام منجر به سرنگونی هشدار می‌دهند.

اقتصاد ایران به دلیل فساد افسارگسیخته طبقه حاکم و انزوای بین‌المللی ناشی از عملکرد ارتجاعی و مداخلات تجاوزگرانه منطقه‌یی رژیم، کاملاً ورشکسته است. رژیم در صحنه منطقه‌یی و بین‌المللی منزوی شده است. جنگ بین جناح‌های داخلی به‌طور چشمگیری در حال فوران است.

خامنه‌ای برای غلبه بر این وضعیت دو مسیر در مقابلش بود؛ یکی استمرار بازی با کارت اصلاح‌طلبی قلابی در سطح داخلی و بین‌المللی برای سرپوش گذاشتن بر بحران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی و به تعویق انداختن سرنگونی رژیمش، و مسیر دوم تحکیم قدرت در دستان خودش و افراد مطلقاً مطیع به خودش مانند رئیسی که هم سرکوب داخلی را تشدید و از قیام‌های مردمی جلوگیری کند و هم این‌که خط صدور بحران با توسعه تروریسم و بنیادگرایی در سطح منطقه و جهان را پیش ببرد که تعامل با جامعه جهانی را مشکل می‌کند. امروز خامنه‌ای به‌رغم همه خطراتش راه دوم را برگزیده است، چرا که هیچ شانس در راه اول نمی‌بیند، رژیم ضعیف‌تر از آن است که قدرت تحمل نمایش اصلاح‌طلب و اصولگرا را داشته باشد. هر گونه شکاف در سرکوب باعث قیام‌های میلیونی می‌شود و هرگونه انعطاف در تروریسم و جنگ‌افروزی باعث سرازیر شدن بحران به درون رژیم می‌شود. سرکردگان رژیم بارها گفته‌اند اگر در عراق و سوریه نجنگیم باید در تهران و اصفهان و کرمانشاه و ... بجنگیم. خامنه‌ای با آوردن رئیسی علامت داده است که جوابی جز تشدید سرکوب داخلی و جنگ‌افروزی خارجی ندارد.

خامنه‌ای برای ساکت کردن غرولند جناح رقیب، به‌طولانی‌شدن درگیری در غزه مدد رساند. جنگ غزه تحت نظر مستقیم نیروی قدس و با شرکت حزب‌الله جریان پیدا کرد. در فاصله ۱۱ روز جنگ، پاسدار قآنی فرمانده نیروی قدس دو بار به بیروت رفت. همه سلاح‌های حماس و حزب‌الله توسط خامنه‌ای تأمین می‌شود.^۱

اما حتی این اقدامات سرکوبگرانه و افراطی راهی برای خروج خامنه‌ای از این بن‌بست مرگبار نخواهد گشود و علاچی بر دردهای خیل بیکاران و محرومان و مالباختگان و گرسنگان ایران نخواهد بود و نتیجه این اقدامات رژیم از پیش شکست خورده است. اپوزیسیون سازمان‌یافته از میان شهرهای شورشی ایران جنبشی از کانون‌های شورشی را در سراسر کشور شعله‌ور کرده است. جوانان و زنان و مردانی که چیزی جز فلاکت و بدبختی کنونی تحت حاکمیت رژیم آخوندی را برای از دست‌دادن ندارند و با آرزوی آزادی و آبادی و شکوفایی ظرفیت‌های انسانی خود و هموطنان‌شان هر روز بیشتر به مبارزه علیه این رژیم می‌پیوندند. تا جایی که

امروز وظیفه مبرم مقاومت ایران، سازماندهی این انرژی جوشان برای تغییر و طراحی گام‌های جنبش برای سرنگونی رژیم فرتوت آخوندی و استقرار نظام دموکراتیک است. هر روز مقامات و رسانه‌های دولتی زنگ خطر را به صدا در می‌آورند. آن‌ها در مورد جذابیت روزافزون اپوزیسیون اصلی یعنی مجاهدین خلق، به ویژه در میان جوانان هشدار می‌دهند و حتی محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور سابق رژیم، اخیراً خطاب به سرمداران گفته است که او «سیل را می‌بیند که همه شما را از بین خواهد برد» و این که «۲۲ بهمن دیگری در راه است».

فصل اول

تحریم نمایش انتخابات، نه قاطع مردم ایران به خامنه‌ای و رئیسی

تحریم گسترده و سراسری نمایش انتخابات که سرکردگان و رسانه‌های رژیم نیز ناگزیر به آن اذعان کردند، دست رد محکم و بی‌سابقه عموم مردم به سینه رژیم ضد بشری آخوندی بود و علامت آشکاری از اراده ملی برای سرنگونی فاشیسم دینی بود.

کانون‌های شورشی و هواداران سازمان مجاهدین خلق، شعار تحریم انتخابات را به سراسر ایران برده و علیه شخص آخوند رئیسی به‌عنوان جلا د ۶۷ و قاتل مجاهدین با هزاران هزار شعارنویسی، نصب پوستر و پلاکارد در شهرهای مختلف و توزیع اطلاعات و شب‌نامه و ... افشاگری کردند که نقش بسیار موثری در فراگیرتر شدن تحریم داشت.

حتی براساس معیارهای خود رژیم، انتخابات امسال کاملاً با انتخابات سال‌های گذشته متفاوت بود. پس از سه خیزش بزرگ سراسری مردم ایران، در سال‌های ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ که رژیم را به لرزه درآورد، عدم مشارکت اکثریت قاطع مردم ایران چیزی نبود که رژیم بتواند انکار کند. به‌رغم همه تقلب‌ها و رقم‌سازی‌ها، شرکت‌کنندگان را ۴۸ درصد اعلام کرد که با احتساب آرای باطله که بی‌سابقه بود، آمار رسمی ۴۲ درصد می‌شود. این عدد در تهران طبق آمار رسمی کمتر از ۲۰ درصد است. به عبارت دیگر مقامات وزارت کشور با همه رای‌سازی‌هایی که برای بزک چهره منفور رژیم می‌کنند اعتراف کردند که در تهران ۸۰ درصد مردم و در سراسر کشور ۵۸ درصد واجدین شرایط رای این نمایش را تحریم کرده‌اند.

بر اساس گزارش‌های سازمان مجاهدین از سراسر ایران و بر اساس گزارش‌های ۱۲۰۰ خبرنگار سیمای آزادی از ۴۲۹ شهر کشور و از هزاران شعبه اخذ رای، میزان شرکت‌کنندگان واقعی کمتر از ۱۰ درصد بوده است.

یک هفته پس از نمایش انتخابات قلبی رژیم برای بیرون کشیدن رئیسی از صندوق، باندها و دستجات رژیم یکی در پی دیگری با اذعان به تحریم سراسری نمایش توسط مردم، نسبت به تنفر و انزجار عمومی از رژیم ضد‌مردمی و نفی تمامیت آن با همه دستجات و جناح‌های آن هشدار می‌دهند.

تلگرام اصلاحات نیوز نوشت: «حدود ۱۴ درصد رای باطله را نباید جزو مشارکت‌کنندگان آورد. در انتخابات ۴۰ سال گذشته متوسط آرای باطله حدود ۲ درصد بوده است. این ۱۲ درصد را از کل کم کنید، رقم مشارکت حدود ۴۳ درصد می‌شود و نه ۴۹ درصد.» (تلگرام اصلاحات نیوز، ۳۰ خرداد ۱۴۰۰)

روزنامه حکومتی ستاره صبح در ۲ تیر ۱۴۰۰ نوشت: «آمارهای رسمی و غیررسمی منتشرشده از انتخابات شورای شهر نشان می‌دهد که مشارکت مردم در تهران برای گزینش اعضای شوراها ۲۶ درصد بوده که ۱۲ درصد آن آرای باطله بوده است، یعنی با کسر آرای باطله از کل آرا، درصد مشارکت برای انتخاب اعضای شورای ششم در پایتخت ۱۴ درصد بوده است.»

امینی نایب‌رئیس شورای شهر رژیم در تهران گفت: «این که در برخی از کلان‌شهرها مثل کرج، اراک و همدان رأی باطله اول می‌شود و در تهران رأی باطله در جایگاه دوم قرار می‌گیرد، در تاریخ انتخابات کشور ایران بی‌سابقه است... زنگ هشدار برای بزرگان است.» (شرق - ۲ تیر ۱۴۰۰)

رسولی عضو سابق شورای شهر تهران نیز به همین رسانه رژیمی می‌گوید: «بر اساس تجربه‌یی که در چند دهه کار در حوزه سیاست داخلی در انتخابات دارم، آرای باطله، آرای اعتراضی نسبت به شرایط جاری جامعه است و از این منظر با کسانی که در پای صندوق‌های رأی حاضر نمی‌شوند، تفاوت ماهوی ندارد... کسانی که پای صندوق‌ها حاضر می‌شوند و رأی باطله می‌دهند، بیمناک هستند که اگر شناسنامه‌شان مهر نخورد، برایشان آثار و عوارض بدی در پی داشته باشد» (شرق - ۲ تیر).

بر اساس گزارش وزارت کشور، شمار شرکت‌کنندگان در نمایش انتخابات در استان البرز از مجموعه ۷۳۳ هزار رأی بیش از ۳۷۵ هزار رأی باطله در صندوق‌ها ریخته شده و از مجموع آرای همه کاندیداها بیشتر بوده است. (روزنامه همشهری، ۳۰ خرداد ۱۴۰۰)

طبق آمار حکومتی در خراسان شمالی، شمار آرای باطله نصف رأی اعلام شده برای رئیسی جلاد و چند برابر سایر کاندیداها بود. در کرمانشاه میزان آرای باطله ۶۵ درصد، در گیلان ۳۸ درصد و در گلستان ۲۵ درصد آرای رئیسی اعلام شده است.^۲

روزنامه حکومتی اعتماد در مقاله‌یی با عنوان «زنگ خطر نیست، خطر است»، با اشاره به تبلیغات و دروغ‌بافی‌های باند خامنه‌ای برای رفع و رجوع تحریم سراسری انتخابات و انداختن اشکال «عدم مشارکت» به گردن باند مغلوب و ناکارآمدی‌های دولت روحانی، نوشت: اگر کسی منکر سقوط مشارکت مردم باشد و ۴۲ درصد رای‌دهندگان (در کل کشور) را قابل قبول بداند باید توجهش را به درصد مشارکت شهروندان پایتخت جلب کرد که تا ۲۶ درصد نزول کرده و نشانه‌های وخیم‌تری از اوضاع را نشان می‌دهد. «این روزنامه افزود: «تجربه نشان داده است که معدل قضاوت پایتخت‌نشینان به سرعت به شهرها و حتی روستاها سرایت می‌کند، چه بسا اگر یک ماه یا یک سال دیگر با همین شرایط انتخاباتی برگزار شود، آمار رای‌دادن مردم در دورترین نقاط کشور شبیه رای تهرانی‌ها شود. موضوع کرونا را هم نباید چندان در کاهش معنادار

مشارکت دخالت داد، چراکه عدد بی‌سابقه و آژیرگونه ۴ میلیون رأی باطله نشان می‌دهد که همه آن‌ها با مراجعه به مراکز رای‌گیری هر انگیزه‌یی داشته‌اند کرونا جلودار آن‌ها نبوده است.» اعتماد می‌افزاید: «شهروندان... با درایت تمام دیگر برای هیچ شعار مردم‌نوازانه تره خرد نمی‌کنند و خوب می‌فهمند که به مقام رعیت پایین آورده شده‌اند. آن‌ها در روح رفتار مسولان تغییرات غیرمردمی و اشرافی و جدایی و اربابی می‌بینند. این از همه مشکلات و نواقص و ناکارآمدی‌ها مخرب‌تر و نافذتر است... تقریباً همه آفازادگان و کس و کار مسولان در خارج خصوصاً و اتفاقاً در آمریکا تشریف دارند و اختصاص به چپ و راست هم ندارد با این حال شعار مرگ بر آمریکا از گوش مردم نمی‌افتد!» (اعتماد، اول تیر ۱۴۰۰)

روزنامه حکومتی مردم سالاری رژیم نیز با عنوان «صدای خاموش مردم را بشنوید» نوشت: «مسئولان جمهوری اسلامی باید بین خود وضعیت اضطراری اعلام کنند و به بررسی فوری و غیرمتعصبانه چرایی عدم حضور بیش از نیمی از مردم در انتخابات بپردازند. دو برابر شدن تعداد قهرکنندگان با صندوق و رسیدن آرای باطله از ۳ درصد انتخابات قبل به ۱۳ درصد، صدایی است رسا که یا باید آن را شنید و بدان احترام گذاشت یا منتظر عواقب سهمگین آن بود.» (مردم سالاری، ۳۱ خرداد ۱۴۰۰)

روزنامه دیگر حکومتی به‌نام همدلی نوشت: «درمجموع رأی باطله کرج در انتخابات شورای شهر، مشارکت پایین و رأی باطله در ریاست جمهوری یک رأی اعتراضی است. این رأی می‌تواند حادثه خلق کند. باید از الان درباره شهر کرج اعلام خطر کرد؛ جایی که محل حوادث بزرگ اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خواهد بود. رئیسی دادستان کرج بود مردم او را کسی می‌شناسند، که نمی‌تواند مشکلات را حل کند. ما در آینده باید شاهد ظهور یک نوع رفتار کرجی باشیم؛ چه در کرج، چه در تهران و چه در شهرهای دیگر.»

سوابق آخوند ابراهیم رئیسی



آخوند ابراهیم رئیسی با لباس پاسداری

سید ابراهیم رئیس‌الساداتی معروف به ابراهیم رئیسی، متولد سال ۱۳۳۹ در محله نوغان شهر مشهد است.

یک نگاه کلی به مدارجی که این جنایتکار طی کرده و مواضع او نشان می‌دهد که او یک متخصص جنایت علیه مخالفان رژیم و به‌طور خاص علیه مجاهدین خلق است. پس از انقلاب ضدسلطنتی، او تنها ۱۸ سال داشت. اما به سرعت به سمت‌های مختلف قضایی گمارده می‌شود.

یک نگاه به پست‌های حکومتی ابراهیم رئیسی طی چهار دهه گذشته، شخصیت او را تا حدودی معرفی می‌کند. او بعد از تمام کردن کلاس پنجم ابتدایی، درس طلبگی را شروع کرده است و در سن ۱۸ سالگی پس از استقرار حکومت آخوندی، به‌رغم نوجوانی در خدمت قضاییه آخوندها که از ابتدا دستگاه اعدام و کشتار و سرکوب بود، در می‌آید:

- ۱۳۵۷- ابراهیم رئیسی مدعی است که تحت نظر محمد حسین بهشتی به‌منظور کادرسازی برای مدیریت نظام، همراه با ۷۰ نفر از طلبه‌های قم آموزش دیده است.
- ۱۳۵۸- اعزام به مسجد سلیمان برای مقابله با آنچه «شورش‌های مارکسیستی و ایجاد مشکلات مختلف در شهر مسجدسلیمان» گفته شده که معنایش چیزی جز سرکوب مردم و نیروهای مردمی نیست.
- ۱۳۵۸- منصوب‌شدن به عنوان دادیار انقلاب شهرستان کرج. پس از چند ماه، او به سمت دادستان کرج ارتقا یافت.
- ۱۳۶۰- علاوه بر دادستانی کرج به سمت دادستان شهر همدان نیز منصوب شد. از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳ هر دو سمت را به‌عهده داشته است. به این ترتیب سه سال اول دهه شصت که دوران اعدام‌های گسترده نیروهای انقلابی و به‌خصوص مجاهدین است، او در این دو استان در دستگیری و شکنجه و اعدام هزاران مجاهد و مبارز شرکت مستقیم داشته است.
- ۱۳۶۴- به عنوان جانشین دادستان انقلاب تهران منصوب شد. او در این سمت عهده‌دار «معاونت گروهکی» دادستان انقلاب تهران شد. معنای این سمت، مرکز خاص سرکوب مجاهدین و سایر نیروهای اپوزیسیون است.
- ۱۳۶۷- در تابستان و پاییز این سال، عضو کمیسیون مرگ در زندان‌های اوین و گوهردشت بود. در کمیسیون مرگ هر چند مرتضی اشراقی سمت دادستان را داشت و رئیسی معاون او بود، اما به‌گفته شهود عینی رئیسی عملاً نقش دادستان را به‌عهده داشته است.
- ۱۳۶۷- خمینی طی صدور احکامی به ابراهیم رئیسی و حسینعلی نیری مأموریت‌های ویژه ای برای سرکوب و اعدام و کشتار در برخی از استان‌ها از جمله لرستان، کرمانشاه و سمنان محول میکند و به این دو نفر اختیارات نا محدودی داد که در کار سرکوب و اعدام مقید به هیچ سلسله مراتب و ضوابط اداری نباشند.
- ۱۳۶۸. بعد از مرگ خمینی، رئیسی با حکم محمد یزدی رئیس قوه قضاییه به سمت دادستان تهران منصوب شد و تا ۱۳۷۳ به مدت پنج سال در این سمت باقی بود.
- از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳ به مدت ده سال رئیس سازمان بازرسی کل کشور بود.
- در سال ۱۳۷۶ به عضویت شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز درآمد.
- سال ۱۳۷۸ عضویت در کمیته ویژه بررسی وقایع کوی دانشگاه تهران.
- سال ۱۳۷۹ رییس هیات قضایی رسیدگی به وقایع و پرونده دستگیرشدگان قیام خرم آباد در شهریور ۱۳۷۹
- از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۳، به مدت ده سال معاون اول قوه قضاییه
- از سال ۱۳۸۵ به عضویت مجلس خبرگان به‌عنوان نماینده استان خراسان جنوبی در آمد.

از سال ۱۳۸۷ به‌عنوان عضو هیات رئیسه مجلس خبرگان برگزیده شد.

- ۱۳۹۱ از سوی خامنه‌ای به‌عنوان دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت منصوب شد که هنوز هم این سمت را دارد.
- ۱۳۹۳ تا اواخر ۱۳۹۴ دادستانی کل کشور را برعهده داشت.
- پس از مرگ آخوند واعظ طبسی، رئیسی در اسفند ۱۳۹۴ با حکم خامنه‌ای، به ریاست یکی از گسترده‌ترین و ثروتمندترین کارتل‌های اقتصادی ایران یعنی آستان قدس رضوی را به‌عهده گرفت.
- ۱۳۹۶ به‌عنوان کاندیدای باند خامنه‌ای در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرد و از کاندیدای باند رقیب شکست خورد.
- در مرداد ۱۳۹۶ با حکم خامنه‌ای به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب شد.
- در اسفند ۱۳۹۷ خامنه‌ای، ابراهیم رئیسی را به‌عنوان رئیس قوه قضاییه منصوب کرد که تا به‌حال در این سمت است. وی حتی در دوره کاندیداتوری انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۴۰۰ در این سمت باقی بود.

او هم‌چنین به مدت ده سال از سوی خامنه‌ای عضو هیأت امنای ستاد اجرایی فرمان خمینی بود که یکی از بزرگ‌ترین کارتل‌های اقتصادی خاورمیانه است.

یک نگاه سریع و منطقی به این مناصب و ده‌ها سمت و منصب دیگر روشن می‌کند که ابراهیم رئیسی به‌خاطر شرکت گسترده‌اش در جنایت و کشتار مجاهدین به‌خصوص در جریان قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ اعتماد کامل خامنه‌ای و سپاه پاسداران را به‌دست آورده و به‌این ترتیب در دورانی که خامنه‌ای در صدد بر آمده که رژیم‌اش را به‌طور کامل یکپایه کند، به بهترین و تنها کاندیدای مناسب برای ریاست جمهوری در آمده است.

ابراهیم رئیسی در لیست‌های سیاه

در اسفند ۱۳۸۹ (مارس ۲۰۱۱) نام ابراهیم رئیسی در فهرست ۸۰ مقام رژیم تحریم‌شده توسط اتحادیه اروپا قرار گرفت. این افراد شامل نیروهای پلیس و شبه‌نظامی، مسئولین زندان، دادستان‌ها، قضات و دیگر مقاماتی بودند که در «نقض حقوق بشر و ادعاهای مربوط به شکنجه و کشتن ناراضیان دست داشته‌اند».

وزارت خزانه‌داری آمریکا، در سال ۱۳۹۸ نام آخوند ابراهیم رئیسی را به‌عنوان نزدیکان خمینی در لیست تحریم قرار داد.^۲ درباره علت تحریم آخوند رئیسی آمده: «ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی و از چهره‌های مورد توجه آیت‌الله خامنه‌ای است. او پیش از ریاست بر دستگاه قضایی، از سوی آیت‌الله خامنه‌ای به سمت تولیت آستان قدس رضوی

منصوب شد. پیش از آن نیز، رئیسی برای حدود سه دهه در سمت‌های عالی دستگاه قضایی حضور داشت. نام ابراهیم رئیسی به نقض حقوق بشر در دستگاه قضایی و به ویژه به عضویت در هیات قضایی اعدام‌های سال ۶۷، معروف به هیات مرگ، گره خورده است. با حضور او در دستگاه قضایی، روندهای قضایی مورد انتقاد فعالان حقوق بشر، از جمله مجازات‌های سنگدلانه، بازداشت‌های غیرقانونی، شکنجه و بدرفتاری هم‌چنان به شیوه گذشته ادامه یافت.»

اعضای هیات مرگ در تهران



فصل سوم

قتل عام زندانیان سیاسی و نقش ابراهیم رئیسی

ابراهیم رئیسی در سال ۱۳۶۷ عضو کمیته چهار نفره مرگ در تهران بود که حسینعلی نیری، مصطفی پورمحمدی و مرتضی اشراقی سه عضو دیگر آن بودند و همراه با چند آخوند جنایتکار دیگر مانند علی مبشری، محمد مقیسه‌ای، اسماعیل شوشتری و علی رازینی، هزاران زندانی سیاسی را که بیش از ۹۰ درصد آن‌ها اعضا و هواداران مجاهدین بودند، طبق فتوای خمینی در زندان‌های اوین و گوهردشت بعد از یک سوال و جواب دو سه دقیقه‌ای به طناب دار سپردند.

فتوای خمینی

خمینی در این فتوا نوشت: «از آن‌جا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می‌گویند از روی حیله و نفاق آن‌هاست و به اقرار سران آن‌ها از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند، و با توجه به محارب بودن آن‌ها و جنگ‌های کلاسیک آن‌ها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاری‌های حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدام علیه ملت مسلمان ما، و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجه‌الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌یی از وزارت اطلاعات می‌باشد، اگر چه احتیاط در اجماع است، و همین طور در زندان‌های مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم‌الاتباع می‌باشد، رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است، وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند [اشداء علی الکفار] باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می‌باشد. والسلام. روح‌الله الموسوی الخمینی»

بسم الله الرحمن الرحيم

در آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می‌گویند از روی حیله و نفاق آن‌هاست و به اقرار سران آن‌ها از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند، و با توجه به محارب بودن آن‌ها و جنگ‌های کلاسیک آن‌ها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاری‌های حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدام علیه ملت مسلمان ما، و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجه‌الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌یی از وزارت اطلاعات می‌باشد، اگر چه احتیاط در اجماع است، و همین طور در زندان‌های مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم‌الاتباع می‌باشد، رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است، وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند [اشداء علی الکفار] باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می‌باشد. والسلام. روح‌الله الموسوی الخمینی»

هر کس به مجاهدین وفادار است اعدام و سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید

این فتوای جنایتکارانه حتی رئیس وقت قضایه خمینی را دچار سوال و ابهام کرد و از طریق احمد پسر خمینی سه سوال از خمینی کرد. احمد در نامه‌یی به پدرش نوشت:

«پدر بزرگوار حضرت امام مدظله‌العالی

پس از عرض سلام، آیت‌الله موسوی‌اردبیلی در مورد حکم اخیر حضرت‌عالی درباره منافقین ابهاماتی داشته‌اند که تلفنی در سه سوال مطرح کردند:

- ۱- آیا این حکم مربوط به آن‌هاست که در زندان‌ها بوده‌اند و محاکمه شده‌اند و محکوم به اعدام گشته‌اند ولی تغییر موضع نداده‌اند و هنوز هم حکم در مورد آن‌ها اجرا نشده است، یا آن‌هایی که حتی محاکمه هم نشده‌اند، محکوم به اعدامند؟
- ۲- آیا منافقینی که محکوم به زندان محدود شده‌اند و مقداری از زندان‌شان را هم کشیده‌اند ولی بر سر موضع نفاق می‌باشند محکوم به اعدام می‌باشند؟
- ۳- در مورد رسیدگی به وضع منافقین آیا پرونده‌های منافقینی که در شهرستانهایی که خود استقلال قضایی دارند و تابع مرکز استان نیستند باید به مرکز استان ارسال گردد یا خود می‌توانند مستقلاً عمل کنند؟

فرزند شما، احمد»

پاسخ خمینی بسیار کوتاه و روشن است، هر چه سریعتر و بیشتر اعدام کنید. متن پاسخ به شرح زیر است:

«بسمه تعالی

در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است، سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید، در مورد رسیدگی به وضع پرونده‌ها در هر صورت که حکم سریعتر انجام گردد، همان مورد نظر است.

روح‌الله الموسوی»

این فتوا و سوال‌های متعاقب آن، هیچ شبهه‌یی باقی نمی‌گذارد که هدف، نابودی تام و تمام تمامی کسانی است که به سازمان مجاهدین خلق ایران وفادار است، اعم از این که یک مسئول یا یک عضو و یا یک هوادار در این سازمان باشد.

براساس این فتوا در عرض چند هفته ۳۰ هزار زندانی سیاسی که دست کم ۹۰ درصد آن‌ها اعضا و هواداران سازمان مجاهدین بودند در تهران و بسیاری از شهرهای ایران قتل عام شدند. این جنایت بزرگ با هر تعریفی جنایت علیه بشریت است که در چارچوب طرح بزرگ نابودی سازمان مجاهدین خلق و اعضا و هواداران آن صورت گرفت و مصداق روشن نسل‌کشی است. اکثر کسانی که اعدام شدند، قبلاً توسط قضایه همین رژیم به زندان محکوم شده و دوران

بسمه تعالی

پدر بزرگوار حضرت امام مدظله‌العالی بزرگوار عرض سلام آیت‌الله موسوی‌اردبیلی در مورد حکم اخیر حضرت‌عالی درباره منافقین ابهاماتی داشته‌اند که تلفنی در سه سوال مطرح کردند

- ۱- آیا این حکم مربوط به آن‌هاست که در زندان‌ها بوده‌اند و محاکمه شده‌اند و محکوم به اعدام گشته‌اند ولی تغییر موضع نداده‌اند و هنوز هم حکم در مورد آن‌ها اجرا نشده است، یا آن‌هایی که حتی محاکمه هم نشده‌اند، محکوم به اعدامند؟
- ۲- آیا منافقینی که محکوم به زندان محدود شده‌اند و مقداری از زندان‌شان را هم کشیده‌اند ولی بر سر موضع نفاق می‌باشند محکوم به اعدام می‌باشند؟
- ۳- در مورد رسیدگی به وضع منافقین آیا پرونده‌های منافقینی که در شهرستانهایی که خود استقلال قضایی دارند و تابع مرکز استان نیستند باید به مرکز استان ارسال گردد یا خود می‌توانند مستقلاً عمل کنند؟

فرزند شما، احمد

بسمه تعالی

در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است، سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید، در مورد رسیدگی به وضع پرونده‌ها در هر صورت که حکم سریعتر انجام گردد، همان مورد نظر است.



زندان خود را سپری می‌کردند و یا دوره زندان خود را تمام کرده بودند، اما هم‌چنان در زندان نگهداشته شده بودند، برخی هم از زندان آزاد شده بودند و پس از فتوای قتل عام خمینی، مجدداً دستگیرشان کرده و بعد اعدام کردند.

گزارش عفو بین‌الملل

عفو بین‌الملل در گزارش خود تحت عنوان «اسرار به‌خون آغشته، کشتار ۶۷ جنایتی علیه بشریت که هم‌چنان ادامه دارد» نوشت: «قربانیان این کشتارها، در نقاط مختلف کشور، عمدتاً هواداران سازمان مجاهدین خلق، مرد و زن، بودند. در استان تهران، صدها نفر از مردان وابسته به گروه‌های مخالف چپ نیز اعدام شدند» (صفحه ۹ فارسی)

در قسمت دیگری از این گزارش آمده است: «در زندان‌های شهرستان‌های خارج از استان تهران، به استثنای استان کردستان، قربانیان بیش و پیش از همه اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق، مرد و زن بودند. در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی، موج ناپدیدسازی‌های قهری و اعدام‌های فراقضایی چند صد زندانی وابسته به کومله و حزب دموکرات کردستان ایران، گروه‌های کرد مخالف نظام، را نیز قربانی خود ساخت.

بنا به اظهارات بازماندگان، در زندان‌های چند شهرستان، یک یا چندین زندانی مرد وابسته به گروه‌های چپ یا سایر گروه‌ها و دست‌کم در یک زندان در اصفهان، یک زندانی زن وابسته به یک گروه چپ نیز اعدام شدند، اما این دسته از زندانیان به شکل سازمانیافته مورد هدف قرار نگرفتند. با این همه، تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد بسیاری از زندانیان چپ نیز، یا در بحبوحه کشتارها در اوایل مرداد تا اواسط شهریور ۱۳۶۷ و یا بعد از آن در اواخر شهریور و مهر همان سال، برای بازجویی احضار شدند. بعضی از آن‌ها مدت‌ها (در بعضی موارد، تا اواخر آن سال) در سلول انفرادی نگهداری شدند در حالی که مسئولان به آن‌ها القاء کرده بودند که آن‌ها هم اعدام خواهند شد» (صفحه ۱۳۷)

در این قتل عام هر کس بر هویت خود به عنوان مجاهد خلق تاکید می‌کرد، به چوبه دار سپرده می‌شد. بنا به گزارش عفو بین‌الملل برخی از سولاتی که در برابر زندانیان قرار می‌گرفت، به شرح زیر بود:

- «آیا حاضرید "منافقین" و رهبران آن را محکوم کنید؟»
- «آیا آماده‌اید برای جنگیدن با "منافقین" به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ملحق شوید؟»
- «آیا حاضرید یک "منافق" را دار بزنید؟»
- «آیا حاضرید در مورد رفقای سابق‌تان جاسوسی کنید و با مأموران اطلاعاتی همکاری کنید؟»
- «آیا حاضرید عضو جوخه‌های اعدام شوید؟» (صفحه ۱۰)

EXAMPLES OF QUESTIONS ASKED BY 'DEATH COMMISSIONS' TO DETERMINE THE FATE OF PRISONERS

- Are you prepared to denounce the PMOI and its leadership?
- Are you prepared to express "repentance" about your political opinions and activities?
- Do you declare loyalty to the Islamic Republic?
- Are you willing to walk through an active minefield to assist the army of the Islamic Republic?
- Are you willing to join the armed forces of the Islamic Republic and fight against the PMOI?
- Will you spy on former comrades and "co-operate" with intelligence officials?
- Are you willing to participate in firing squads?
- Are you willing to hang a member of the PMOI?
- Are you a Muslim?
- Do you pray?
- Do you read the Qur'an?
- Did your father pray and read the Qur'an?

Most of the prisoners killed were serving lengthy prison terms imposed because of their political opinions and peaceful activities such as distributing opposition newspapers and leaflets, taking part in demonstrations, collecting donations for prisoners' families or associating with those who were politically active. Others had been held for years without trial or had completed their sentences and were due to be released. Some had served their sentences but were told they would not be released until they were "sufficiently repentant". In all of these cases, the families knew where they were and had been able to visit them until late July 1988.

Another group of those killed had been released several years earlier but were then rearrested in the weeks leading up to or shortly after the PMOI's armed incursion on 25 July 1988. Many were forcibly disappeared immediately after their arrest and the authorities refused to provide any information on their fate and whereabouts.

To date, the exact number of those killed is unknown but minimum estimates put the death toll at around 5,000. The real number could be higher, especially because little is still known about the names and details of those who were rearrested in 1988 and extrajudicially executed in secret coon after arrest.

Many survivors believe that the mass executions of 1988 were planned long before the armed incursion of the PMOI on 25 July 1988. For example, they note that since late 1987:

- a clear pattern of interrogations and classification procedures applying to imprisoned political dissidents had emerged,
- prisoners faced unexpected interrogations that focused on their political opinions,
- prison officials and interrogators repeatedly threatened prisoners that they would be "dealt with" and that the prisons would be "cleansed"; and
- some prisoners were transferred without explanation from detention facilities near their home city to elsewhere.

Further evidence of the planned nature of the mass executions emerged in 2016 when Ahmad Montazeri, the son of former Deputy Supreme Leader Hossein Ali Montazeri released an audio recording of a high-level official meeting on 14 or 15 August 1988, in which Hossein Ali Montazeri protested against the ongoing killings of prisoners. The recording includes members of the "death commission" in Tehran discussing and defending the mass executions in Evin and Gohardasht prisons in Tehran province, including the arbitrary criteria used to determine who would be executed, and the secret and rushed nature of the proceedings. Hossein Ali Montazeri is heard telling members of the "death commission" that the ministry of intelligence was using the PMOI's armed incursion as a pretext to carry out mass killings that had been under consideration for several years.

اعتراض منتظری و هشدار به رئیسی و سه عضو دیگر کمیته مرگ

ابعاد این قتل عام به حدی بود که منتظری جانشین وقت خمینی در دو نامه به خمینی در ۹ و ۱۳ مرداد، عواقب اعدام گسترده زندانیان مجاهد را گوشزد کرد که تاثیری نداشت. او در ۲۴ مرداد ۱۳۶۷ در بحبوحه قتل عام رئیسی و سه عضو دیگر کمیسیون مرگ را به خانه‌اش در قم احضار کرد و به آن‌ها هشدار داد. نوار صوتی^۵ این ملاقات در سال ۱۳۹۵ منتشر شد. منتظری در این ملاقات خطاب به آن‌ها گفت:^۶

«به نظر من بزرگترین جنایت که در جمهوری اسلامی شده و در تاریخ ما رو محکوم می‌کنه به دست شما انجام شده و شما را در آینده جزو جنایتکاران توی تاریخ می‌نویسند. این، بی‌رودربایستی». منتظری در این ملاقات به نقل از یکی از حکام شرع می‌گوید «یک کسی برادرش زندان بود آخرش گفتند که خواهرش هم متهمه. رفتند خواهرش را آوردند، خودش رو اعدام کردند، خواهرش دو روز بود اصلاً آمده بود ۱۵ سالش بود، به خواهرش گفتن خوب چی می‌گی؟ گفت خوب من به اینها علاقه داشتم، گفت چون برادرش اعدام شده این رو هم اعدام کنین و اعدامش کردن».

منتظری در همان ملاقات یک نامه نیز خطاب به مخاطبانش تنظیم نمود که خلاصه مطالب مطرح‌شده در همان ملاقات در آن آمده بود و نامه را که خطاب به هر چهار عضو اصلی کمیسیون مرگ (نیری، اشراقی، رئیسی و پورمحمدی) و به تاریخ ۶۷/۵/۲۴ بود تحویل آن‌ها داد که در این نامه آمده است.

«این‌گونه قتل عام بدون محاکمه، آن هم نسبت به زندانی و اسیر قطعا در درازمدت به نفع آن‌هاست و دنیا ما را محکوم می‌کند و آنان را بیشتر به مبارزه مسلحانه تشویق می‌کند، مبارزه با فکر و ایده از طریق کشتن غلط است...»

- بسیاری از افراد سرموضع را، رفتار بازجوها و زندانبان‌ها، آنان را به سرموضع کشانده و الا قابل انعطاف بودند...

- مجرد این‌که اگر آنان را آزاد کنیم به منافقین ملحق می‌شوند موجب صدق عنوان محارب و باغی بر آنان نمی‌شود،

- مجرد اعتقاد، فرد را داخل عنوان محارب و باغی نمی‌کند، و ارتداد سران فرضا موجب حکم به ارتداد سمپات‌ها نمی‌شود...

- من بیش از همه به فکر حیثیت حضرت امام و چهره ولایت فقیه می‌باشم و نمی‌دانم موضوع را به چه نحوی به‌ایشان رسانده‌اند، این همه ما در فقه بحث احتیاط در دماء و اموال کرده‌ایم همه غلط بود؟

- من چندین نفر از قضات عاقل و متدین را دیدم که ناراحت بودند و از نحوه اجرا شکایت

At the bottom of the letter, a handwritten note provided Rouhollah Khomeini's unequivocal response to the questions:

"In all the above cases, if anyone at any stage maintains his position on *refa'u* [a pejorative reference to the PMOI], the sentence is execution, annihilate the enemies of Islam immediately, regarding the [process] of dealing with cases, (adopt) whichever way that ensures the order is implemented more quickly."¹¹⁴



A copy of the written exchange between Rouhollah Khomeini and his son, Ahmad Khomeini, concerning the questions raised by the head of Iran's Supreme Court, Abolmoumen Moazzami Ardebil, about the scope of Rouhollah Khomeini's execution order. © Hossein Ali Montazeri



Rouhollah Khomeini © Shantel Izard

"Annihilate the enemies of Islam immediately"¹¹⁵

Rouhollah Khomeini

از صفحه ۹۹ گزارش عفو بین الملل



داشتند و می‌گفتند تندروی می‌شود، و نمونه‌های زیادی را ذکر می‌کردند که بی‌جهت حکم اعدام اجرا شده است.

در خاتمه مجاهدین خلق اشخاص نیستند یک سنخ فکر و برداشت است یک نحو منطقی است، و منطق غلط را باید با منطق صحیح جواب داد، با کشتن حل نمی‌شود بلکه ترویج می‌شود، ان شاء الله موفق باشید».

نتیجه این اعتراضات این شد که خمینی تصمیم قطعی به حذف منتظری - یعنی کسی که ده سال روی او برای جانشینی خودش سرمایه‌گذاری کرده بود- گرفت و چند ماه بعد وی را رسماً و علناً از سمتش برکنار و او را خانه‌نشین کرد.

نقش ویژه رئیسی

هم‌چنان‌که در فتوای خمینی آمده است، ترکیب هیات مرگ شامل قاضی شرع و دادستان انقلاب و نماینده وزارت اطلاعات می‌شود، اما برای کشتار بزرگ در تهران، دژخیمی مانند اشراقی به عنوان دادستان کفایت نکرد و یک آخوند جنایتکارتر لازم بود که نقش دادستان را ایفا کند، این آخوند کسی جز ابراهیم رئیسی نبود که نقش دادستان را اساساً او در جریان قتل عام ایفا کرد و سال بعد از آن هم رسماً دادستان تهران شد.

به این ترتیب رئیسی در ۲۸ سالگی به عنوان یکی از چهار عضو "هیات مرگ"، یکی از اصلی‌ترین نقش‌ها را در قتل عام هزاران زندانی سیاسی برعهده گرفت. برخی جان‌به‌دربردگان از آن اقدام‌ها روایت کرده‌اند که رئیسی را در راهروها و شکنجه‌گاه‌های زندان دیده‌اند که بدون عبا و عمامه، با لباس راحتی برای تسریع و گسترش اعدام‌ها تلاش می‌کرد. حسن روحانی در جریان انتخابات سال ۱۳۹۶ در مورد رئیسی گفت: «در طول ۳۸ سال فقط اعدام و زندان بلد بودند».^۷

خود رئیسی نیز، بارها به ارتکاب این جنایت بزرگ اقرار و حتی افتخار کرده است. او در دفاع از قتل عام و ضرورت تشویق خودش به خاطر این جنایت، در ۱۸ آذر ۱۳۹۷ در باره قتل عام گفت: «قهرمان مبارزه با نفاق در این کشور امام خمینی است. تمام کسانی که در این کشور با نفاق برخورد کردند، باید تشویق شوند».^۸

او دو روز بعد از شعبده انتخابات در ۳۱ خرداد ۱۴۰۰ در پاسخ به سوالی در مورد قتل عام زندانیان سیاسی گفت: «آنانی که اتهام می‌زنند، باید گفت که امروز ما در جایگاه مدعی قرار داریم. به‌عنوان مدعی حقوق انسان. تمام اقداماتی که من در این مدت مسئولیت انجام داده‌ام، همواره در جهت دفاع از حقوق بشر و حقوق انسان بوده، با کسانی که اخلاف در حقوق انسان‌ها ایجاد کردند... اگر یک حقوق‌دان، یک قاضی در کسوت قضاوت، یک دادستان، دفاع کرده از

حقوق، حقوق مردم، از امنیت جامعه، او باید مورد تقدیر قرار بگیرد و مورد تشویق که شما مردم را در مقابل هجومها و تهدیدها، امنیتشان را حفظ کردید. من افتخارم آن است که در کسوت دادستان، هر کجا که بودم، دفاع از حقوق مردم، دفاع از امنیت مردم و دفاع از آسایش مردم خواهم کرد».

عفو بین‌الملل در گزارش مبسوط خود به مناسبت سی‌امین سالگرد قتل عام در باره رئیسی نوشت:

رئیسی در یک سخنرانی در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۷، با اشاره به گزارش‌های رسانه‌یی در مورد نقشی که در کشتار ۶۷ داشته، در صدد تبرئه خود برآمد. او حضور خود در جلسه ملاقات با حسینعلی منتظری را انکار نکرد، اما گفت که در آن دوره رئیس دادگاه نبوده و اضافه کرد که رئیس دادگاه حکم صادر می‌کند و دادستان کار مدعی‌العموم را انجام می‌دهد. در همین حال، او با استفاده از کلمه «برخورد» در اشاره به اعدام‌ها، از قرار معلوم این کشتار را «از افتخارات نظام» شمرد و از روح‌الله خمینی به عنوان «قهرمان ملی» تجلیل کرد.^۹

«در اردیبهشت ۱۳۹۷ یک خبرگزاری رسمی به نقل سخنان ابراهیم رئیسی، از اعضای «هیات مرگ» تهران، پرداخت که وضعیت این اعدام‌شدگان را مشابه چندین هزار قاچاقچی مواد مخدر می‌دانست که در حال حاضر حکم اعدام‌شان «معلوم است؛ یعنی دادگاه بدوی و دادگاه تجدیدنظر حکم صادر کرده‌اند و دیوان عالی کشور نیز آن را تایید کرده ولی حکم اجرا نشده است»^{۱۰}

برنامه‌ریزی قدیمی

تمامی اسناد ومدارک و همه شواهد و دلایل نشان از آن دارد که رژیم آخوندی، به‌طور خاص شخص خمینی از همان ابتدا عزم جزم کرده بود که مجاهدین را در تمامیت سازمانی خود نابود کند.

منتظری در همان جلسه ۲۴ مرداد ۶۷ به رئیسی و سه دژخیم دیگر گفت «به نظر من این یک چیزی است [قتل عام زندانیان سیاسی] که اطلاعات روش نظر داشت و سرمایه‌گذاری کرد و شخص احمد آقا پسر آقای خمینی هم از سه چهار سال قبل می‌گفت مجاهدین از روزنامه‌خونش و از مجله‌خونش و از اعلامیه‌خونش و همه باید اعدام شوند».

گزارش عفو بین‌الملل در صفحه ۱۳۳ می‌نویسد:^{۱۱}

روایت دوم مدعی است که اعدام‌شدگان در سال ۱۳۶۷ به‌دلیل برقراری ارتباط و هماهنگی مجرمانه با سازمان مجاهدین خلق از زندان‌ها، به منظور به‌راه انداختن «شورش» و پیوستن به حمله مسلحانه آن سازمان به هنگام پیشروی و آزادسازی زندان‌ها، دوباره بازپرسی قرار

گرفتند. در سه دهه‌ی گذشته، مقالات مبلغ این روایت به‌طور گسترده در رسانه‌های حکومتی ایران منتشر شده، هرچند که هرگز توضیحی در این باره ارائه نشده است که چگونه هزاران زندانی در نقاط مختلف کشور اصلاً می‌توانسته‌اند از داخل زندان‌های فوق امنیتی ایران با یک گروه مسلح در خارج کشور ارتباط قرار کرده و اقدامات خود را با آن هماهنگ کنند. علاوه بر این، اظهارات و شهادت‌های بازماندگان همگی از این حکایت دارد که اتهامات مبهمی که در رابطه با شورش و تبانی محرمانه مطرح شده محور جلسات بازپرسی از آن‌ها در مرداد تا شهریور ۱۳۶۷ نبوده و هیچ اطلاعی در این باره به آن‌ها داده نشده بود که این بازپرسی‌ها به معنی محاکمه مجدد و محکوم‌کردن‌شان بر اساس اتهامات جدید است (به فصل ۷ و «پیوست ۱» نگاه کنید).

گزارشگر اعدام‌ها در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، در گزارش سال ۱۳۶۸ خود می‌گوید: «در روزهای ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ سال ۱۳۶۷، اجساد ۸۶۰ تن از [زندان] اوین به گورستان بهشت زهرا منتقل گردید».^{۱۲} باید توجه داشت که عدد ذکر شده در این گزارش از یک زندان به یک گورستان در عرض سه روز است. این درحالی است که اکثر اعدام‌شدگان آن روزها را نه به گورستان بهشت زهرا بلکه به گورهای دستجمعی در قبرستان «خاوران» می‌بردند.

پس از فراخوان خانم مریم رجوی در سال ۱۳۹۵، به کارزار دادخواهی قتل عام زندانیان سیاسی، تحقیقات گسترده‌یی در داخل ایران انجام شد و طی آن ۵۹ گور دستجمعی و ۸۷ هیات مرگ در سراسر ایران و اسامی بیش از ۱۰۰ تن از اعضای هیات‌های مرگ در سراسر کشور شناسایی شد.^{۱۳}

خامنه‌ای و دفاع تمام عیار از قتل عام

خامنه‌ای که در زمان قتل عام رئیس‌جمهور این رژیم بود در جلسه‌یی در دانشگاه تهران در ۱۵ آذر ۱۳۶۷ وقتی در مورد قتل عام زندانیان سیاسی مورد سوال قرار گرفت گفت: «اما اعدامی‌ها، اعدام‌های جمعی در ایران... رادیو منافق هم همین را می‌گوید. مگر ما مجازات اعدام را لغو کردیم؟ نه! ما در جمهوری اسلامی مجازات اعدام را داریم برای کسانی که مستحق اعدامند... این آدمی که توی زندان، از داخل زندان با حرکات منافقین که حمله مسلحانه کردند به داخل مرزهای جمهوری اسلامی... ارتباط دارد، او را به‌نظر شما باید برایش نقل و نبات ببرند؟ اگر ارتباطشان با آن دستگاه مشخص شده، باید چه کارش کرد؟ او محکوم به اعدام است و اعدامش هم می‌کنیم. با این مسأله شوخی که نمی‌کنیم... آن‌هایی که علیه ما در دنیا راجع به حقوق بشر حرف می‌زنند، آن‌ها دلشان می‌خواهد منافقین و دشمنان نظام و کسانی که قصد براندازی این نظام را دارند، هر کاری می‌خواهند بکنند. نظام در مقابل این‌ها

هیچ عکس‌عملی نشان ندهد... نمی‌شود، این برخلاف مصالح مردم (!) است، برخلاف مصالح انقلاب (!) است... ما اجازه نمی‌دهیم که این نماینده حقوق بشر بیاید...» (رادیو دولتی ایران ۱۵ آذر ۱۳۶۷).

خبرگزاری رویترز در همین روز نوشت: «خامنه‌ای گفت هنگامی که رژیم زندانیان سیاسی را اعدام می‌کند فرامین الهی را به اجرا درمی‌آورد... [اعدام‌ها] ممکن است مشکلی را حل بکنند و یا نکنند... من در قوه قضاییه نیستم، اما اعدام‌ها را تأیید کرده و آن‌ها را می‌پذیرم».



روی جلد گزارشی از سوی سازمان عدالت برای قربانیان قتل عام ۱۳۶۷ در ایران که در رابطه با گورهای دستجمعی منتشر شده و روی آن محل گورهای دستجمعی بر روی نقشه ایران مشخص شده است.

سازمان‌های حقوق بشری

بسیاری از سازمان‌های حقوق بشری بزرگ جهان مانند سازمان عفو بین‌الملل،^{۱۴} سازمان دیدبان حقوق بشر،^{۱۵} فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر،^{۱۶} هم چنین پارلمان کانادا^{۱۷} و حقوقدان‌های بین‌المللی قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷، را جنایتی بزرگ و مصداق جنایت علیه بشریت توصیف کرده اند.

۷ گزارشگر ملل متحد در ۳ سپتامبر ۲۰۲۰ خطاب به سرکردگان رژیم آخوندی نوشتند، «ما نگرانیم که وضعیت (فوق) به مثابه جنایت علیه بشریت می‌باشد. اگر دولت عالیجناب از پایبندی به وظایف خود تحت قانون حقوق بشر بین‌الملل خودداری کند، ما به جامعه بین‌المللی فراخوان می‌دهیم که جهت تحقیق این پرونده‌ها اقدام کند که شامل تاسیس یک تحقیقات بین‌المللی باشد».^{۱۸}

۱۵۲ شخصیت برجسته حقوق بشری در سطح بین‌المللی و کارشناسان سابق ملل متحد در اول مه ۲۰۲۱ نوشتند: «ما از فراخوان متخصصین سازمان ملل به جامعه بین‌المللی برای گشودن تحقیقات در پرونده‌ها شامل آغاز تحقیقات بین‌المللی، حمایت می‌کنیم. ما از شورای حقوق بشر سازمان ملل استمداد می‌طلبیم که با تاسیس یک کمیسیون تحقیق در مورد اعدام‌ها و ناپدیدسازی‌های فراقانونی در ۱۳۶۷ به فرهنگ مصونیت که در ایران وجود دارد پایان دهد. ما از کمیسر عالی میشل باشله می‌خواهیم که از تاسیس چنین کمیسیونی حمایت کند».^{۱۹} و با استناد به گزارشگران ملل متحد افزودند «یک معافیت از مجازات به طور سیستماتیک توسط آمران و عاملان این اعدام‌های فرا قضایی وجود دارد و خیلی از مقامات که در آن دست داشتند، کماکان در مناسب قدرت از جمله در ارگان‌های کلیدی قضایی و دولتی قرار دارند. رئیس قضاییه (ابراهیم رئیسی) و وزیر دادگستری (علیرضا آوایی) در میان آن‌ها هستند.

به اعتقاد کارشناسان بین‌المللی کشورهای عضو سازمان ملل متحد و به خصوص کشورهایی که پیمان رم را امضا کرده‌اند، موظفند امکانات خود را برای محاکمه ابراهیم رئیسی به‌عنوان یکی از دست‌اندرکاران اصلی این جنایت بزرگ به کار گیرند و وی را تسلیم عدالت نمایند.

گزارش عفو بین‌الملل، برخی از دست‌اندرکاران قتل عام را که هم اکنون در بالاترین مسئولیت‌های قضایی هستند بر می‌شمرد و از جمله می‌نویسد:

«-علیرضا آوایی، به عنوان دادستان کل دزفول، عضو «هیات مرگ» دزفول بود و در حال حاضر وزیر دادگستری است.

- حسینعلی نیری، به عنوان حاکم شرع، در هیات مرگ تهران حضور داشت. در ۱۳۶۸ به معاونت رئیس دیوان عالی کشور رسید و تا شهریور ۱۳۹۲ این سمت را بر عهده داشت. او بعداً به سمت رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات منصوب شد و تا کنون این جایگاه را در اختیار

دارد.

- ابراهیم رئیسی، به عنوان معاون دادستان کل تهران، در سال ۱۳۶۷، در « هیات مرگ» تهران عضویت داشت. بعد از آن، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ دادستان کل تهران، و از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ معاون رئیس قوه قضاییه، و از ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ دادستان کل کشور بود.

- مصطفی پورمحمدی، به عنوان نماینده وزارت اطلاعات، در «هیات مرگ» تهران حضور داشت. او بعد به عنوان وزیر دادگستری منصوب شد و از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۶ این سمت را در اختیار داشت» (گزارش عفو بین الملل صفحه ۲۰۸)

فصل چهارم

گواهی شماری از شاهدان

بسیاری از بازماندگان قتل عام زندانیان سیاسی رئیسی را در هیات‌های مرگ به‌خصوص در زندان‌های اوین و گوه‌ر دشت دیده‌اند. نقش او طبق این شهادت‌ها روی اعدام تعداد هر چه بیشتری از مجاهدین، متمرکز بوده است. رئیسی قبل از تهران هم در کرج و همدان و شهرهای دیگر به اعدام مجاهدین و مخالفان اشتغال داشته است.

این جا تنها شهادت سه تن از زندانیان سیاسی سابق در مورد رئیسی را ذکر می‌کنیم

شهادت فریده گودرزی زندانی سیاسی سابق در زندان همدان

«من در سال ۶۲ در شهر همدان به‌خاطر هواداری از مجاهدین دستگیر شدم. هنگام دستگیری نه ماهه حامله بودم و یک هفته به زایمان بیشتر وقت نداشتم از همان ساعات اولیه دستگیری مثل تمامی زندانیانی که دستگیر می‌شدند، مرا با آن وضعیت به اطاق شکنجه بردند و تحت شکنجه قرار دادند. با کابل شلاق می‌زدند. یکی از کسانی که در همان لحظات بالای سر من بود همین ابراهیم رئیسی بود که البته من در آن زمان او را نمی‌شناختم ولی بعد از همبندی‌هایم شنیدم که این فرد دادستان دادگاه همدان است.

لازم است در این جا تاکید کنم که ابراهیم رئیسی در سال ۱۳۶۱ همزمان دادستان دادگاه کرج و دادگاه همدان بود و خیلی از زندانیان سیاسی که اکثرا هوادار سازمان مجاهدین بودند، توسط این دژخیم و دخالت مستقیم و با امضای این شخص حکم اعدام گرفتند و به‌دار آویخته شدند. اسامی چند نفر از این شهیدان را که از نزدیک می‌شناختم، ذکر می‌کنم:

فخری غلامی، مینا عبدلی، مهناز صحراکار (مهناز که دختری ۱۶-۱۷ ساله بود قبل از اعدام توسط پاسداران به او تجاوز شده بود) بهجت صدوقیان، علی عطایی، احد رئیسی، بهزاد افصیحی، هاشم صالحی و شماری دیگر.

نکته دیگری که باید تاکید کنم این است که در زندان همدان از سال ۱۳۶۱ که رئیسی دادستان همدان شده بود، زندانیان را فقط به دار می‌آویختند چون معتقد بودند که زندانی با این روش، بیشتر زجر می‌کشد.

یک توضیح هم در مورد فرزند خودم بدهم: من پسر من را بعد از زایمان، حدود شش ماه و نیم در سلول انفرادی، با حداقل امکانات و در سخت‌ترین شرایط ممکن مثل کودکان دیگری که به همراه مادرانشان در سلول‌های انفرادی بودند، بزرگ کردم.

همسرم قبل از سال ۶۷، توسط رژیم اعدام شد و برادرم پرویز گودرزی نیز در زندان همدان در

جریان قتل عام به شهادت رسید. من هنوز صدای گریه و ضجه‌های مادرم را می‌شنوم. مادری که ۶ سال برای ملاقات پسرش در سرما و گرما به در زندان‌های همدان و اوین رفت و آمد کرد و سرانجام در آن تابستان خونین ساک لباسی را به او تحویل دادند و یک سنگ قبر. ما از پای نخواهیم نشست تا روزی که تمامی آمران و عاملان جنایات علیه بشریت در ایران به پای میز محاکمه بکشانیم و آن روز نزدیک است.

شهادت مسعود ابویی^{۲۰}

من از سال ۶۰ تا ۶۸ در زندان‌های اوین و قزلحصار و گوهردشت در تهران و چند زندان دیگر در شهرستان‌ها بودم و از قضا در مقطع قتل عام ۶۷ در زندان اوین و از نزدیک شاهد جنایات‌های آخوند جنایتکار ابراهیم رئیسی بودم. من روز ۱۷ مرداد سال ۶۷، به هیات مرگ احضار شدم. ترکیب اتاق و اعضای هیات مرگ، به این صورت بود: دو میز در امتداد هم در سمت راست اتاق بود. در سمت چپ که یک پله مرتفع‌تر از سمت راست بود آخوند نیری نشسته بود و در کنار او آخوند دیگری که به احتمال قریب به یقین مصطفی پورمحمدی بود.

در سمت راست اتاق، چند نفر ایستاده و در تردد بودند که از جمله مجتبی حلوائی، پاسدار سید مجید و دیگر پاسداران. بعد از نفرات ایستاده، نفر نشسته زمانی (نماینده وزارت اطلاعات در زندان اوین) بود که گویا اسم اصلی‌اش موسی واعظی است. بعد از او آخوند رئیسی نشسته بود. آخوند رئیسی در آن صحنه با یک پیراهن سفید نسبتاً بلند و ریش مشکی نسبتاً بلند بدون عبا و عمامه نشسته بود و به عنوان معاون دادستان دست‌اندرکار قتل عام بود.

پرونده من دست زمانی و سپس رئیسی و بعد هم زیر دست اشرافی رفت. نیری بدون این که پرونده من دستش باشد، گفت: از سبیل‌های تو معلوم است که منافقی. من گفتم مدت‌ها است که در انفرادی هستم و ریش من هم بلند است و به این دلیل است که وسیله‌ی برای اصلاح نداشتم.

پورمحمدی یک سوال از سابقه فعالیت‌م کرد که پاسخ من باب طبعش نبود و یک‌دفعه از کوره در رفت داد زد و گفت: پدرسوخته منافق ما را سر کار می‌گذاری. مشغول جر و بحث با او بودم که رئیسی که همراه زمانی و احتمالاً یکی از مدیران زندان بود، شروع به خواندن پرونده من کرد. ابتدا گفت چرا به پدرت رحم نمی‌کنی چرا به مادرت رحم نمی‌کنی؟ ناگهان متوقف شد و انگار که کشف بزرگی کرده باشد، رو به نیری با صدای بلند گفت: اوه حاج آقا این خانواده‌اش هم منافق است. او می‌خواست با این حرف اگر تردیدی در نیری برای دادن حکم اعدام وجود دارد، تردیدش را از بین ببرد. اشرافی سپس از میزان تحصیلاتم پرسید که با توجه به این که

می‌دانستم نسبت به دانشجوی بودن حساسیت بالایی وجود دارد و حدس می‌زدم پرونده‌ام را خوانده باشد گفتم دیپلمه هستم. پرونده دست به دست به نیری رسید. او مشغول خواندن آن شد. و ناگهان پرسید: گفتمی میزان تحصیلاتت چقدر است. من که فهمیده بودم او پرونده را خوانده، با تسلط گفتم دانشجوی. او که فکر می‌کرد یک تناقض در گفته‌ام در پاسخ به اشرافی با مندرجات پرونده یافته و می‌خواست آن را وسیله قرار بدهد، با این پاسخ گزگی پیدا نکرد. بالاخره آن روز هیات مرگ در مورد من به نتیجه نرسید (به نظر رسید که آن‌ها از یک جایی متوقف شده‌اند و توان بریدن سریع پرونده را ندارند).

من جسته و گریخته وصف ابراهیم رئیسی را شنیده بودم که به عنوان معاون دادستان در هیات مرگ حضور دارد. بعداً در صحبت با بچه‌ها در بند و هم‌چنین تصویرش را که در تلویزیون رژیم دیدم بیشتر یقین کردم که خودش بوده است. اما زمانی به یقین کامل رسیدم که بعد از آزادی از زندان در سال ۱۳۶۹ نیز یک بار به زندان اوین مراجعه داشتم که باز هم گذارم به رئیسی افتاد و او را از قضا با همان شکل و شمایل دیدم. با پیراهن سفید و ریش مشکی و بدون عبا و عمامه....

شهادت رضا شمیرانی^{۲۱}

۲ بعد از ظهر روز ۷ مرداد ۱۳۶۷، یکی از پاسداران به بند سلول‌های انفرادی ساختمان آسایشگاه به سراغم آمد و من را برای بردن نزد هیات مرگ به ساختمان دادرسی زندان اوین برد. در آنجا تعداد بسیار زیادی از زنان و مردان زندانی را دیدم که خیلی از آن‌ها را می‌شناختم. همه با چشم بند بر زمین نشسته بودند و تعدادی هم برای رفتن به اتاقی که هیات مرگ مستقر شده بودند، در صف ایستاده بودند.

مرتضوی رئیس وقت زندان اوین با لباس شخصی آن‌جا بود. او خیلی فعال و خوشحال به نظر می‌رسید و به سراغ زندانیانی که از قبل در زندان گوهردشت می‌شناخت، می‌رفت و با تمسخر آن‌ها در صدد انتقام‌گیری بود.

بعد از ۲ ساعت نوبت به من رسید و زمانی که اسمم را خواندند، توسط پاسداری به اتاق هیات مرگ برده شدم. در این اتاق ۴ نفر نشسته بودند. در اتاق دو میز وجود داشت که به صورت تی قرار داده شده بود. آخوند نیری را که به عنوان قاضی شرع در وسط نشسته بود، شناختم. در سمت راست او فردی با لباس شخصی نشسته بود که آن موقع او را نمی‌شناختم. او اشرافی دادستان انقلاب اسلامی وقت بود. سمت چپ نیری، فردی با لباسی آخوندی و عمامه سفید قرار داشت که او را هم نمی‌شناختم و بعدها متوجه شدم که آخوند پورمحمدی بوده است. کنار پورمحمدی فرد دیگری با لباس شخصی نشسته بود که در آن زمان او را نیز نمی‌شناختم اما

او خیلی فعال بود و در تحریک کردن آخوند نیری نقش بسیار جدی داشت. در آن زمان فکر می‌کردم او از عناصر وزارت اطلاعات است که این‌گونه عمل می‌کند اما بعد ها که عکس او را دیدم متوجه شدم که او آخوند جلا، رئیسی است.

نیری اسم و مشخصات مرا پرسید و این‌که چند سال در زندان بودم و اتهامم چیست. گفتم به اتهام هواداری از سازمان دستگیر شده‌ام. از من پرسید کدام سازمان؟ و من مجدداً گفتم: شما خودتان می‌دانید. در این لحظه آخوند رئیسی وارد صحبت شد و خطاب به نیری گفت حاج آقا از او بپرس از کدام بند می‌آید و نیری همین سوال را پرسید و من خودم را به آن راه زدم و گفتم زندان اوین و نمی‌خواستم جواب روشنی به او بدهم. در واقع من یک سال قبل از قتل عام به دلیل بودن در تشکیلات زندان، زیر بازجویی و شکنجه بودم و رئیسی این را خوب می‌دانست و به همین دلیل با طرح این سوال در صدد آن بود که حکم اعدام من را از نیری بگیرد. رئیسی که دید من از جواب دادن طفره می‌روم، خیلی عصبانی شد و خطاب به نیری گفت: حاج آقا این یکی از منافقان سرسخت بند است. اگر اجازه بدهید من او را ببرم بیرون و یک ورقه بدهم تا تمام اطلاعات تشکیلات منافقان را در زندان بنویسد. نیری که در صدور حکم اعدام برای زندانیان، خیلی عجله داشت و وقت جر و بحث نداشت، خیلی سریع قبول کرد و رئیسی من را با خودش برد و کمی دورتر از در دادگاه، روی صندلی و رو به دیوار نشانده و خواست چارت تشکیلات زندان را روی کاغذ بیاورم. آن‌ها طی یک سال نتوانسته بودند، اطلاعات من را در بیاورند و رئیسی می‌خواست از این فرصت استفاده کند و من را وادار به همکاری کند.

چند دقیقه‌ی گذشت. پاسدار مسنی وارد سالن بزرگ دادسرا شد و گفت هرکس نزد هیات عفو امام رفته بلند شود و بیاید اما آن‌هایی که گفته شده به زندان گوهردشت منتقل می‌شوند، سر جایشان بنشینند. من از این فرصت استفاده کردم و بلند شدم و با تعداد دیگری از خواهران و برادران به سمتی رفتیم که ما را به سلول‌های انفرادی ساختمان آسایشگاه بردند.

فصل پنجم

آخوند رئیسی سفیر مرگ خمینی

آخوند رئیسی بعد از قتل عام ۱۳۶۷ تا به امروز مستمرا در سرکوب قیام مردم و صدور احکام جنایتکارانه نقش تعیین‌کننده داشته است.

پس از قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، ابراهیم رئیسی همراه حسینعلی نیری اعتماد کامل خمینی را در جنایت به‌دست آوردند و کاندیداهای ویژه او برای ارتکاب جنایت‌های بعدی شدند و به «سفرای اعدام» خمینی تبدیل شدند. اسناد زیر از جلد ۱۷ و ۲۱ «صحیفه نور»، مجموعه سخنرانی‌ها، احکام و نامه‌های خمینی، نشان‌دهنده نقش حسینعلی نیری و ابراهیم رئیسی در اجرای منویات خونین خمینی است.

سند شماره ۱:



متن نامه خمینی:

بسمه تعالی

جناب حاجت‌الاسلام آقای نیری - دامت افاضاته

از آن‌جا که گزارشات متعددی در مورد ضعف دستگاه قضایی به اینجانب رسیده است، و مردم شریف و متعهد ایران انتظار برخورد جدی‌تری با مسائل مختلف را دارند، به جنابعالی و حاجت

الاسلام آقای رئیسی ماموریت قضایی داده می‌شود تا نسبت به گزارشات شهرهای سمنان، سیرجان، اسلام آباد و درود رسیدگی نموده، و فارغ از پیچ و خم‌های اداری با دقت و سرعت آن‌چه حکم خداست در موارد مذکور اجرا نمایید...والسلام .

به تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

دو هفته پس از صدور این حکم، خمینی، نیری و رئیسی را مأمور می‌کند تا به صدور احکام وحشیانه سرعت بخشند.

سند شماره ۲



متن نامه خمینی:

بسم الله الرحمن الرحيم

از آن‌جا که مقامات بالای قضایی کشور هیچ‌گونه حساسیتی در مورد مسائل تکان‌دهنده فوق ندارند به حجتی الاسلام آقایان نیری و رئیسی ماموریت داده می‌شود که طرق آنچه تشخیص می‌دهند، در چهارچوب اسلام عزیز، در موارد مذکور اقدام نمایند. باعث تعجب است که در نظام اسلامی چنین حوادثی اتفاق می‌افتد؛ ولی با کمال خونسردی اجرای احکام خدا تعطیل، و کارهای دیگر بر کار قضایی رجحان پیدا می‌کند.

به تاریخ ۲۳ دی ماه ۱۳۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

همزمان خمینی به شورای عالی قضایی خود دستور می‌دهد کلیه اختیارات و تسهیلات لازم را در اختیار این دو جانی قراردهد تا تجربه‌یی را که در قتل عام زندانیان سیاسی به‌دست آورده‌اند، اجرا نمایند!

یادآوری می‌کنیم که این حکم پنج ماه قبل از مرگ خمینی صادر شده است.

سند شماره ۳



متن نامه خمینی

بسمه تعالی

شورایعالی قضایی جمهوری اسلامی

کلیه پرونده‌هایی که تاکنون در آن شورا با کمال تعجب راکد مانده است، و اجرای حکم خدا تاخیر افتاده است در اختیار حجتی الاسلام آقایان نیری و رئیسی قرار دهید، تا هرچه زودتر حکم خدا را اجرا نمایند، که درنگ جایز نیست. به آقایان نیری و رئیسی هم سفارش اکید می‌نمایم که جهات شرعیه را کاملاً رعایت نمایند. والسلام .

۱/۱۱/۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

این احکام غلاظ و شداد، دستگاه قضاییه خمینی را لرزانده و کسانی مانند موسوی اردبیلی را به‌تردید واداشت. این وضعیت موجب شده که در تاریخ ۱۳۶۷ نیری و رئیسی در زمینه حدود اختیاراتشان از خمینی سؤال کنند تا موضع خود را تثبیت نمایند و جواز کشتار گسترده‌تری را بگیرند:

بسم الله الرحمن الرحيم. محضر مبارک زعیم عالیقدر، رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی - مدظله العالی با سپاس بیکران از درگاه احدیت که اینجانبان را مشمول عنایت آن امام عزیز و بزرگوار قرار داده تا در اجرای احکام و حدود الهی گامی برداریم، مستدعی است نظر مبارک را امر به ابلاغ فرمایید که دستور مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱ آن حضرت اختصاص به اجرای حدود الهی دارد یا شامل احکام صادره در مورد قصاص نفس نیز می‌شود؟

۱/۱۱/۶۷ سیدابراهیم رئیسی - حسینعلی نیری

پاسخ خمینی این است:

بسمه تعالی

جناب حجتی الاسلام آقایان نیری و رئیسی

آنچه را که به شما ماموریت دادم تا به پرونده‌هایی که در شورایی عالی قضایی راکد مانده است پس از رسیدگی اجرا نمایید، در مورد حدود و قصاص است با حفظ جهات شرعیه آن .

۱۳۶۷/۱۱/۲

این احکام و مفاد آن‌ها نیاز به تفسیر بیشتری ندارد

علت خاص ارتقای رئیسی

هم‌چنان‌که در احکام خمینی خطاب به نیری و رئیسی دیده می‌شود، این دو نفر که از بوتۀ آزمایش قتل عام مجاهدین عبور کرده‌اند، به سفیران سیار مرگ در تمام کشور و در رابطه با کلیه پرونده‌ها تبدیل شدند که بدون در نظر گرفتن فرم‌های اداری خواسته خمینی در مورد سرکوب و اعدام را بی‌محابا عملی کنند.

هم‌چنان‌که گفتیم در جریان قتل عام مجاهدین در تابستان ۱۳۶۷، ده‌ها کمیسیون مرگ در سراسر ایران شکل گرفت که البته معروف‌ترین و فعال‌ترین آن در تهران، هزاران تن از مجاهدین را بالای دار فرستاد. اعضای هیات مرگ تهران علاوه بر چهار نفر ثابت، افراد دیگری مانند آخوند علی مبشری و آخوند اسماعیل شوشتری و علی رازینی و محمد مقیسه‌ای را هم شامل می‌شد. اما از بین همه آن‌ها ابراهیم رئیسی وضعیت ویژه‌ی کسب کرده و بیشترین اعتماد خمینی و بعد هم خامنه‌ای را به‌دست آورد تا جایی که طی این سال‌ها، بالاترین سمت‌های حکومتی به او سپرده شده است و اکنون به ریاست جمهوری منصوب شده است. این مراتب و مدارج محصول عملکرد او در کشتار مجاهدین و هم‌چنین وفاداری و انقیاد مطلق او نسبت به خامنه‌ای است.



ابراهیم رئیسی با خامنه‌ای بعد از قتل عام سال ۱۳۶۷



ملاقات قاسم سلیمانی و ابراهیم رئیسی در آستان قدس رضوی

نقش سرکوبگرانه رئیسی علیه قیام‌های مردمی و احکام ضد انسانی

بعد از قتل عام ۱۳۶۷ تا به امروز آخوند رئیسی همواره نقش بسیار فعالی در سرکوب قیام‌های مردمی داشته است. علاوه بر نقش جنایتکارانه و رسمی‌اش در قضاییه آخوندها، او در کمیته‌های مختلف برای سرکوب قیام‌های مردمی شرکت داشته است. در قیام سال ۱۳۷۸ دانشجویان او عضو کمیته ویژه بررسی وقایع کوی دانشگاه تهران بود.

در شهریور ۱۳۷۹ مردم خرم‌آباد دست به تظاهرات گسترده‌یی علیه رژیم زدند. در جریان این قیام که با سرکوب شدید نیروهای امنیتی مواجه شد، بیش از ۱۵۰۰ نفر از جوانان و مردم این شهر دستگیر شدند. رئیس قوه قضائیه وقت، محمود هاشمی شاهرودی، به‌دستور خامنه‌ای هیاتی را به ریاست ابراهیم رئیسی که آن زمان رئیس بازرسی کل کشور بود، به خرم‌آباد برای محاکمه و مجازات دستگیرشدگان اعزام کرد. هدف تسریع در سرکوب و دستگیری و مجازات قیام‌کنندگان به منظور مهار اوضاع انفجاری و کنترل اوضاع بود. رئیسی در طول این ماموریت درباره علت بروز این قیام به علت‌های آشکار و پنهان قیام اشاره می‌کرد و خواهان برخورد با ریشه حوادث و جلوگیری از آن در آینده شد.^{۲۲}

در جریان قیام ۱۳۸۸ ابراهیم رئیسی بار دیگر به صحنه آمد و عضو کمیته سه نفره‌یی بود که از سوی شاهرودی رئیس قضاییه، برای تعیین تکلیف بازداشت‌شدگان قیام تشکیل شد. پس از تغییر رئیس قوه قضاییه، دو عضو دیگر این کمیته تغییر کردند، اما رئیسی در کمیته جدید نیز عضویت داشت. در همین سمت بود که آخوند رئیسی در مصاحبه با تلویزیون حکومتی قیام‌کنندگان را محارب توصیف کرد و خواستار اعدام آن‌ها شد. او گفت: «در صورتی که ارادل و اوباش دستگیرشده براساس قانون، مصادیق مفسد فی‌الارض باشند، به صورت عبرت‌آمیزی با آنان برخورد می‌شود.»^{۲۳}

وی روز بعد از قیام عاشورای ۱۳۸۸ گفت: «جرمی که دیروز به‌طور خاص انجام شد، به نظرمان یک ویژگی خاص دارد. و آن این‌که مصداق سلب امنیت مردم آن هم با سنگ و چوب و قمه. حمله به عزاداران که این مصداق محاربه هم می‌تواند باشد. محاربه از ماده حرب است. محاربه عنوان فقهی است به کسی می‌گویند که آن کس در مقابل خدا و رسول خدا و حکم خدا و رسول خدا بایستد. در واقع جنگ با خدا و رسول خدا داشته باشد. جنگ با نظام اسلامی که این نظام مبتنی بر احکام و باید و نبایدهای دینی است. یعنی کسی که در مقابل نظام اسلامی بایستد... و به تعبیر ما شمشیر بکشد، کسی که سلب امنیت عمومی بکند، امنیت عمومی را



ابراهیم رئیسی و علی خامنه‌ای در مرگ قاسم سلیمانی



ملاقات آخوندی ابراهیم رئیسی با حسن نصرالله در لبنان

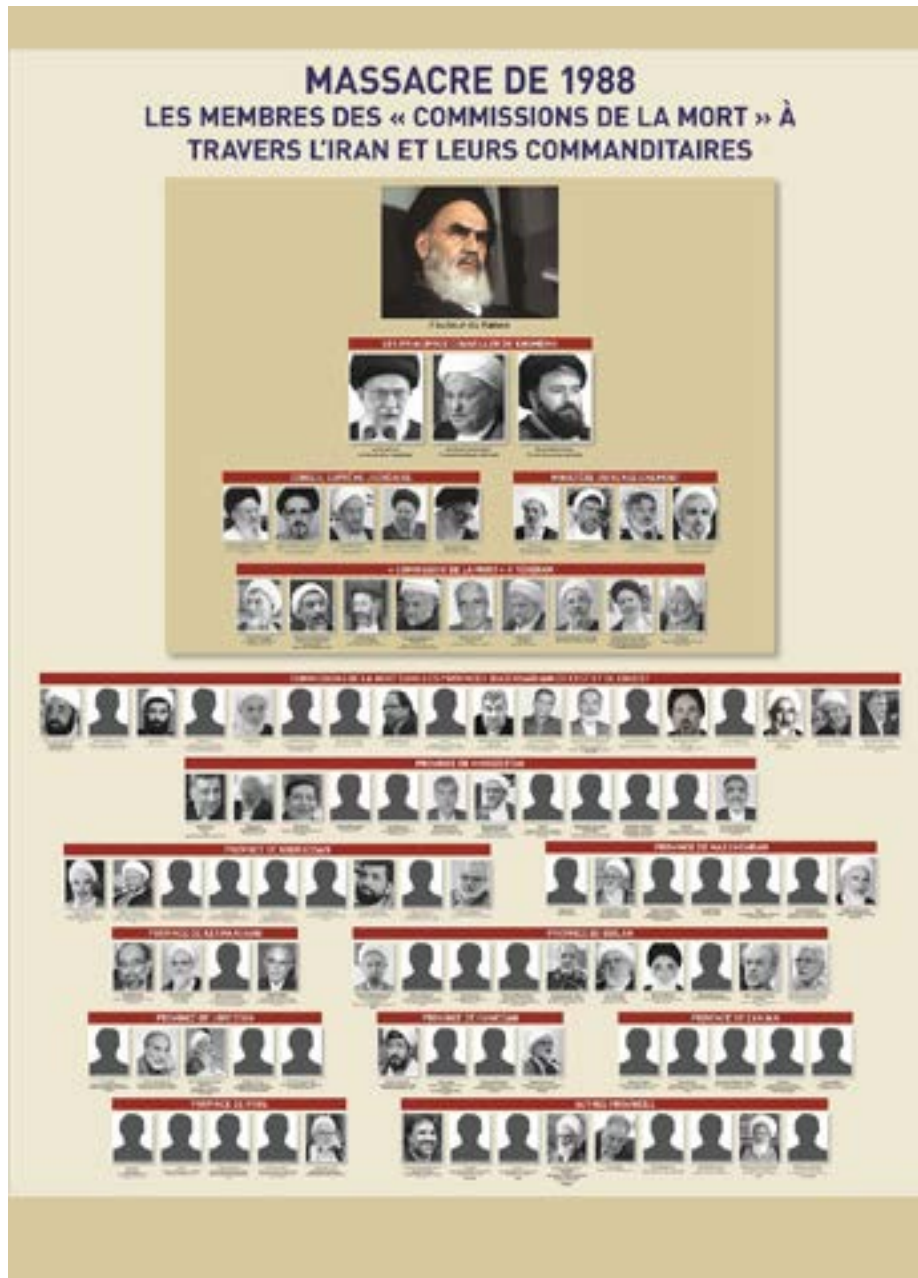
مختل بکند. البته طرف باید سلاح داشته باشد، مسلحانه باشد. هم در قانون داریم وهم در فقه داریم که سلاح فقط شمشیر نیست. فقط اسلحه گرم نیست. نه. سلاح سرد هم می تواند باشد. یعنی گاهی قمه است، گاهی چاقوست، در لسان فقها هم هست، گاهی چوب است، گاهی سنگ است... یعنی با یک وسیله‌یی که شما نمونه‌اش را در روز عاشورا دیدید. بعضی از افراد با سنگ با چوب با قمه با شمشیر و... حمله کردند به مردم. پس محاربه عنوانی است برای کسی که سلب امنیت عمومی بکند و مردم را بترساند ... اتفاقی که افتاد در روز عاشورا این‌ها می‌تواند مصادیق محاربه باشد و عنوان محاربه داشته باشد. منتها محارب گاهی یک سازمان است. یک سازمان می‌شود سازمان محارب، مثل سازمان منافقین. در جریان سازمان منافقین، هر کس به هر نحوی تحت هر شرایطی به سازمان منافقین کمک کند، این چون جریان جریان سازمان‌یافته‌یی است عنوان محاربه دارد»^{۲۴}

از زمانی که رئیسی توسط خامنه‌ای به ریاست قوه قضاییه منصوب شد، ۲۵۱ نفر در سال ۱۳۹۸ و ۲۶۷ نفر در سال ۱۳۹۹ اعدام شده‌اند که شماری از زندانیان سیاسی و مخالفان از هموطنان بلوچ و کرد و عرب در زمره آنان هستند. نوید افکاری کشتی‌گیر ملی پوش ایران که به‌دلیل شرکت در تظاهرات آبان ۱۳۹۸ (نوامبر ۲۰۱۹) دستگیر شده بود نیز، در زمره اعدام‌شدگان بود.

احکام ضد انسانی و جنایتکارانه

ابراهیم رئیسی برای ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه، از احکامی مانند قطع دست و مثله کردن اعضای بدن حمایت می‌کند. ابراهیم رئیسی در سمت معاون اول قوه قضاییه در سال ۱۳۸۹، در توجیه روسای پلیس رژیم گفت «حکم قطع دست از افتخارات بزرگ ماست»^{۲۵}

در یک گزارش عفو بین‌الملل^{۲۶} در ۱۳ آذر ۱۳۹۹ منتشر شد، آمده است: طی ۲۰ سال گذشته (یعنی سال‌هایی که رئیسی بالاترین مناصب قوه قضاییه را داشته) برای ۲۶۴ نفر در ایران حکم قطع دست صادر شده که اجرای حکم ۱۲۹ نفر از آن‌ها ثبت و تایید شده است. این گزارش می‌افزاید احتمالاً حکم قطع دست شش نفر دیگر در ایران به زودی اجرا شود. این گزارش تصریح می‌کند مقامات ایران، ماشین شکنجه علیه مردم ایران را برای مثله کردن اعضای بدن و شکنجه روحی آن‌ها آشکارا به‌راه انداخته و گزارش‌هایی به عفو بین‌الملل رسیده است که دستگاهی مخصوص، شبیه به گیوتین برای قطع انگشت به زندان ارومیه آورده شده و ریسک «اجرای فوری» حکم قطع دست شش نفر متهم به دزدی در این زندان وجود دارد.



اعضای هیات‌های مرگ در قتل عام سال ۱۳۶۷



ملاقات فرماندهان سپاه با آخوند ابراهیم رئیسی در آستان قدس رضوی

فصل هفتم

آخوند رئیسی و سپاه پاسداران

آخوند ابراهیم رئیسی ارتباطات نزدیکی با فرماندهان سپاه پاسداران دارد. از جمله در دور قبلی انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۶ فرماندهان سپاه به دیدار وی رفته و از او حمایت کردند. در این ملاقات علاوه بر محمد علی جعفری، فرمانده وقت کل سپاه، سرلشکر پاسدار قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس و سرتیپ پاسدار حسین نقدی هم شرکت داشتند.

رئیسی در کارنامه‌اش علاوه بر سرکوب، بیلان سیاهی در زمینه غارت و چپاول مردم ایران نیز دارد. وی در پست‌هایی مانند آستان قدس رضوی یا ستاد اجرایی فرمان خمینی که هر دو از بزرگترین موسسات اقتصادی خاورمیانه هستند، این فرصت را داشته است تا اموال عمومی را در راستای صدور تروریسم و بنیادگرایی و جنگ‌افروزی و حمایت از سپاه پاسداران به خدمت بگیرد. او روابط نزدیکی با قاسم سلیمانی سرکرده نیروی قدس سپاه داشت. در مراسم خاکسپاری قاسم سلیمانی، ابراهیم رئیسی در کنار شخص علی خامنه‌ای ظاهر شد.

پس از انتصاب به تولیت آستان قدس رضوی که موقوفات بسیار گسترده‌یی در سراسر ایران دارد، رئیسی بخش زیادی از سرمایه‌ها و درآمدهای این موسسه را صرف گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامیان جنایتکار وابسته به سپاه در سوریه و لبنان و یمن و عراق اختصاص داد و درحقیقت هزینه کشتار مردم این کشورها را تامین می‌کرد.

او در سمت تولیت آستان قدس رضوی (ع) و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در بیروت دیدار کرد.

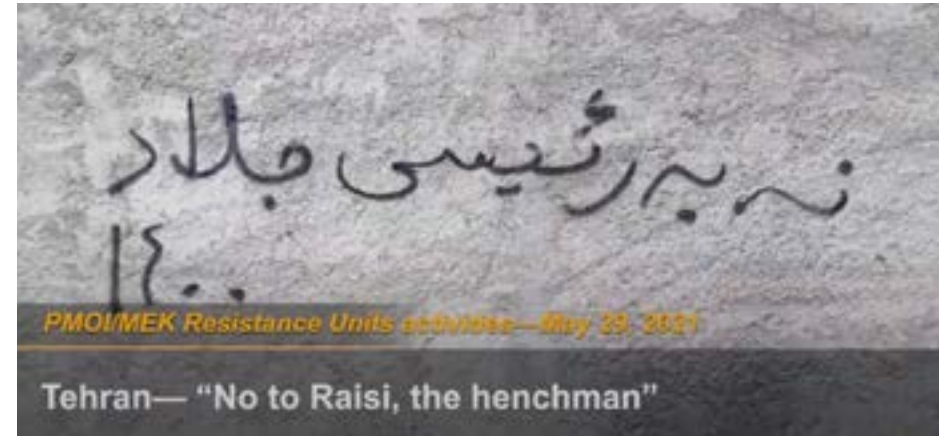
در ۱۴ شهریور ۹۵ اکرم الکعبی سرکرده گروه تروریستی موسوم به حرکه‌النجباء عراق با ابراهیم رئیسی ملاقات کرد و از حمایت او بهره‌مند شد.

آخوند رئیسی، در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۹۵ از ساخته‌شدن ۳۶ واحد آپارتمان در محله باقرآباد جنوب تهران برای خانواده‌های کشته‌شدگان افغانی موسوم به فاطمیون در جنگ سوریه خبر داد و شخصا از این محل بازدید کرد. او در حالی به این مانور تبلیغاتی دست زد که نارضایتی در میان خانواده‌های انبوه کشته‌شدگان افغانی در جنگ سوریه و وضعیت فاجعه‌باری که این خانواده‌ها دارند، به شدت بالاگرفته است.



ملاقات اکرم الکعبی با ابراهیم رئیسی

نه به رئیسی جلاد شعار مردم ایران در نمایش قلبی انتخابات ریاست جمهوری



PMOI/MEK Resistance Units activities—May 29, 2021

Tehran— "No to Raisi, the henchman"



PMOI/MEK Resistance Units activities—May 29, 2021

Tehran— "My vote is regime change, We will not vote for murderers"



PMOI/MEK Resistance Units activities—May 29, 2021



PMOI/MEK Resistance Units activities—June 2, 2021



PMOI/MEK Resistance Units activities—May 29, 2021

Andimeshk— "No to Raisi, the henchman"

نمایشگاه شهیدان قتل عام ۱۳۶۷ در پاریس
میدان انولید مقابل مجلس ملی فرانسه^{۲۷}



نمایشگاه شهیدان قتل عام ۱۳۶۷ در واشینگتن
مقابل کنگره آمریکا^{۲۸}



پانویس:

- ۱ - روز ۱۵ مه ۲۰۲۱ "زیاد نخاله" رئیس گروه جهاد اسلامی خطاب به خامنه‌ای گفت: «دوستان و برادران شهید سلیمانی خصوصاً حاج اسماعیل قآنی و همکاران ایشان همواره در هدایت و فرماندهی این نبرد، لحظه به لحظه در کنار ما بودند... ما برای حفظ جمهوری اسلامی ایران و سربازان دلاور آن دعا می‌کنیم» (سایت خامنه‌ای)
- ۲ - همشهری ۳۰ خرداد ۱۳۹۹
- ۳ - سایت رادیو آمریکا- تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۹۸- سالگرد اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان طرفدار خمینی
- ۴- از متن سند نامه احمد خمینی به پدرش روح الله خمینی و پاسخ خمینی در ذیل آن - مرداد ۱۳۶۷
- ۵ - سایت در صحن مجلس و شوراها - ۱۷ فروردین ۱۳۹۶-
https://www.darsahn.org/1396/01/17/profile-khobregan-ebrahim-reaisi/
- ۶ - فایل صوتی جلسه آیت‌الله منتظری با هیات مرگ به تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۷
- ۷ - خیرگزاری ایسنا- ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۶
- ۸ - سایت مشرق نیوز - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۷
- ۹ - ص ۲۰ از گزارش عفو بین‌الملل «ایران: رازهای خونین: چرا قتل عام زندان در ایران در ۱۳۶۷ یک جنایت ادامه‌دار علیه بشریت است»، ۴ دسامبر ۲۰۱۸
- ۱۰ - ص ۱۳۲ از گزارش عفو بین‌الملل «ایران: رازهای خونین: چرا قتل عام زندان در ایران در ۱۳۶۷ یک جنایت ادامه‌دار علیه بشریت است»، ۴ دسامبر ۲۰۱۸
- "IRAN: BLOOD-SOAKED SECRETS; WHY IRAN'S 1988 PRISON MASSACRES ARE ONGOING CRIMES AGAINST HUMANITY", Amnesty International, 4 December 2018, MDE 13/9421/2018
- ۱۱- ص ۱۴۷ از گزارش عفو بین‌الملل «ایران: رازهای خونین: چرا قتل عام زندان در ایران در ۱۳۶۷ یک جنایت ادامه‌دار علیه بشریت است»، ۴ دسامبر ۲۰۱۸
- "IRAN: BLOOD-SOAKED SECRETS; WHY IRAN'S 1988 PRISON MASSACRES ARE ONGOING CRIMES AGAINST HUMANITY", Amnesty International, 4 December 2018, MDE 13/9421/2018
- ۱۲- ص ۲۹ از گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل آقای آموس واکو به کمیسیون حقوق بشر در ۶ فوریه ۱۹۸۹
E/CN.4/1989/25, p29, paragraph 3
- ۱۳ - کتاب «تحقیق در مورد قتل عام ۱۳۶۷ در ایران»، نویسنده طاهر بومدرا و آزاده ضابطی، ۲۶ آوریل

۲۰۱۷

Inquiry into the 1988 Mass Executions in Iran (JVMI) (Volume 1) Paperback – April 26, 2017, by Tahar Boumedra (Author), Azadeh Zabeti (Author)

۱۴ - عفو بین‌الملل - سند MDE ۲۰۰۷/۱۲۸/۱۳، نامه سرگشاده به علی خامنه‌ای در ۲ نوامبر ۲۰۰۷،
۱۵ - دیده‌بان حقوق بشر

http://www.hrw.org/fr/news/2005/12/14/iran-des-ministres-cl-compromis-dans-des-affaires-de-graves-abus

۱۶- فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر - سپتامبر ۲۰۱۷، جزوه:

"25 YEARS ON, AND STILL NO JUSTICE"

FIDH و LDDHI

۱۷- پارلمان کانادا

Motion Agreed to, presented by Mr. Paul Dewar (Ottawa Centre, NDP) http://www.parl.gc.ca/HousePublications/Publication.aspx?DocId=6208877

۱۸- https://spcommreports.ohchr.org/TMResultsBase/DownloadPublicCommunicationFile?gId=25503

۱۹- بیانیه ۱۵۲ شخصیت برجسته حقوق بشری در سطح بین‌المللی و کارشناسان سابق ملل متحد در اول مه ۲۰۲۱،

https://iran1988.org/open-letter-to-un-seeking-commission-of-inquiry-into-irans-1988-extrajudicial-executions-of-thousands-of-political-prisoners/

۲۰- خانم فریده گودرزی شکنجه شده و قربانی ابراهیم ریسی در زمانی است که او دادستان شهر همدان بوده است و شهادت او مربوط به ۵ سال قبل از قتل عام زندانیان سیاسی است

۲۰- مسعود ابویی یک تجربه خاص را بازگو می‌کند که ابراهیم رئیسی حتی دو سال پس از قتل عام نیز هم‌چنان مسایل زندانیان آزاد شده را نیز در کنترل خودش داشته است.

۲۱- رضا شمیرانی ساکن و تبعه سوییس و از زندانیان سیاسی شناخته شده است که بیش از دهسال زندانی بوده و در جریان قتل عام در زندان مخوف اوین تهران بوده است.

۲۲- کیهان ۱۴ شهریور ۷۹ - آخوند رئیسی، رییس سازمان بازرسی کل رژیم، مأمور سرکوب قیام خرم‌آباد، که از سوی رییس قوه قضاییه در رأس هیأتی به این شهر سفر کرده است، دربارهٔ علت بروز این قیام

گفت: «حوادث خرم‌آباد دولایه آشکار و پنهان دارد، اگر بخواهیم مسائل خرم‌آباد به‌طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد و دیگر شاهد این‌گونه حوادث نباشیم باید مسائل آن به‌صورت ریشه‌ی شناسایی و

بررسی شود و برخورد با ریشهٔ حوادث است که می‌تواند از حوادث احتمالی آینده جلوگیری کند».

۲۳-خبرگزاری حکومتی فارس ۱۹ خرداد ۱۳۸۶

۲۴-تلویزیون حکومتی - ۱۰ دی ۱۳۸۸

۲۵-خبرگزاری آفتاب - تاریخ ۴ آبان ۱۳۸۹ - رئیسی: حکم قطع دست از افتخارات بزرگ ماست
(aftabnews.ir)

۲۶-سایت رادیو فردا - ۱۳ آذر ۱۳۹۹-

<https://www.radiofarda.com/a/30982487.html>

۲۷-سایت مجاهد - ۹ آبان ۱۳۹۸ - خبرگزاری رویترز: تصاویر شهیدان مجاهد خلق در قتل عام سال ۶۷
در پاریس (mojahedin.org)

کتاب قتل عام ۱۹۸۸ در ایران - ۲۰ اکتبر ۲۰۱۷

"1988 Massacre in Iran: Evidence of a Crime Against Humanity", JVMI, October 20, 2017

۲۸-سایت همبستگی ملی - ۲۳ شهریور ۱۳۹۸ - بزرگداشت شهیدان قتل عام سال ۱۳۶۷ در مقابل

کنگره آمریکا (hambastegimeli.com)



سازمان مجاهدین خلق ایران

ISBN 978-1-9164101-1-4

